

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## هفته‌نامه مطالعات راهبردی سیبل



مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور

تنظیم و صفحه‌آرا: مرضیه روشن‌روان

شماره نشریه: 152

تاریخ انتشار: 8 تیر 1400

تعداد صفحات: 34 صفحه



## تلاش آمریکا برای تداوم اشغالگری در افغانستان

### رویداد

ایالات متحده آمریکا در حال خروج نیروهای نظامی خود از افغانستان است؛ اما به شیوه‌های مختلف درصدد حفظ نفوذ خود و حتی تداوم اشغالگری در افغانستان است. نفوذ سیاسی، امنیتی و نظامی با حفظ قدرت در دست چهره‌های غرب‌گرا در ارگ، دستگاه امنیتی و ارتش، نفوذ امنیتی - نظامی با حفظ حدود ۱۸۰۰۰ نیروی شرکت دین کرپ در خاک افغانستان، نفوذ امنیتی - اطلاعاتی از طریق سفارت بزرگ خود در کابل و منابع آن و بالاخره نفوذ نظامی گسترده از طریق ایجاد پایگاه در بلوچستان پاکستان از راهکارهایی است که آمریکا برای تداوم نفوذ پیش گرفته است. موضع طالبان در برابر چهار راهکار اول از پیش کاملاً روشن بود و مشخص است که تلاش طالبان برای مقابله با این نوع افراد و نیروهاست؛ اما موضع طالبان در خصوص احتمال تأسیس پایگاهی آمریکایی در پاکستان نامشخص بود. اینک با اعلام موضع طالبان درباره این موضوع می‌توان درنگی بر محتوای آن کرد و بر این اساس فضای سیاسی افغانستان را دقیق‌تر فهم و پیش‌بینی کرد.

### تحلیل رویداد

افغانستان در موقعیت جغرافیایی بسیار حساسی در قلب آسیا واقع شده است و آمریکا نمی‌تواند از چنین موقعیتی چشم‌پوشد. همسایگی با چین، ایران و آسیای مرکزی (و به نوعی روسیه) اهمیتی کم‌نظیر به افغانستان بخشیده است. وجود معادن غنی و نیز بحث حساس اثرگذاری اوضاع افغانستان بر گروه‌های اسلام‌گرای منطقه، بر اهمیت این کشور در سیاست‌های جهانی افزوده است؛ چنان‌که او با ما افغانستان را محل تقابل و نزاع حقیقی قدرت‌های بزرگ جهانی دانسته بود. بر این اساس امروز که آمریکا پس از بیست سال و دادن تلفات انسانی فراوان و هزینه دو تریلیون دلاری، مجبور به خروج از افغانستان شده است، تلاش دارد به شکلی نفوذ خود را در این کشور حفظ کند. غرب‌گرایانی نظیر غنی در رأس قدرت، امرالله صالح به عنوان معاون اول و مرد اول امنیتی، حنیف اتمر، وزیر امور خارجه و عضو دستگاه امنیتی افغانستان در دوره کمونیستی، حمدالله محب، فرد امنیتی نزدیک به انگلیس، چهره‌های شیعه سکولار یا همراه با حکومت و ... نفوذ سیاسی آمریکا را حفظ می‌کنند و ۱۸۰۰۰ نیروی شرکت دین کرپ (چیزی



شبهه بلک واتر) که اتباع کشورهای مختلف از آمریکا تا کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین و ... در آن هستند و به نسبت نیروی رسمی ارتش آمریکا دست بازتری برای انجام تخلفات و جنایات دارند، در عرصه امنیتی- نظامی نقش آفرینی خواهند کرد. سفارت نیز دست کم صدها عضو دارد که برخی از آنها نظامی و امنیتی هستند و به تلاش‌های اطلاعاتی آمریکا ادامه خواهند داد. اما یکی از اقدامات مهم آمریکا تلاش برای ایجاد یک پایگاه نظامی بزرگ در بلوچستان پاکستان است که پاکستان فعلاً آن را تکذیب کرده است (اما مذاکره بر سر آن را تکذیب نکرده است). احداث این پایگاه برای کشورهای اطراف افغانستان از جمله جمهوری اسلامی ایران بسیار خطرناک خواهد بود.

طالبان در قبال تلاش آمریکا برای تأسیس پایگاه نظامی در پاکستان، موضع‌گیری مهمی کرده که اهم مفاد آن چنین است:

۱. به تاریخ ۲۹ فوریه ۲۰۲۰، آمریکا در حضور نمایندگان رسمی بیش از سی کشور و سازمان، به خصوص همسایه‌های افغانستان، پیمان دوحه را، که پیمان به رسمیت شناختن استقلال افغانستان و پایان اشغال بیست ساله کشور دانسته می‌شود، امضا کرد.

۲. امروز ۱۵ ماه از آن پیمان گذشته است، اما افغان‌ها هنوز هم برای پایان کامل اشغال و آمدن صلح لحظه‌شماری می‌کنند؛ با این حال، توافق‌نامه به سبب تخلف‌های پی در پی آمریکایی‌ها و مزدوران داخلی‌شان هنوز کاملاً اجرا نشده است و هنوز خون افغان‌ها می‌ریزد.

۳. مقامات آمریکایی به تازگی ابراز داشته‌اند که گویا اشغال افغانستان را با به کار بردن زمین و فضای کشور همسایه ما پاکستان، دوام می‌دهند. این‌گونه اظهارات مقامات آمریکایی نشان می‌دهد که اشغالگران هیچ‌گاه اراده وفا کردن به تعهدات‌شان را ندارند و هنوز در تلاش‌اند به ظلم، استعمار و بازی‌های شوم خود در جهان اسلام به خصوص افغانستان ادامه دهند.

۴. آمریکایی‌ها اکنون می‌خواهند آتش جنگ را با هدف انتقام گرفتن در منطقه داغ نگه دارند و همسایه‌ها را به جنگی پایان‌ناپذیر با افغانستان مبتلا سازند.

۵. امید افغان‌ها از جامعه جهانی بشری، همسایه‌ها و به خصوص مقامات پاکستان این است که شکار اراده‌های شوم اشغالگران آمریکایی نشوند. لازم است همسایه‌ها با افغان‌ها برای حل این فاجعه طولانی همکاری کنند، نه اینکه در بدل متاع قلیل، حامی دوام اشغال باشند.

۶. حضور آمریکا در چنین پایگاهی به این معناست که آمریکا باز هم خون افغان‌ها را می‌ریزد و به اشغال ادامه می‌دهد. اگر چنین شود، افغان‌ها مثل گذشته جهاد خواهند کرد.

۷. امارت اسلامی به نمایندگی از ملت افغانستان از کشورهای همسایه می‌خواهد که «به هیچ‌کس اجازه و فرصت چنین اقدامی را ندهند. اگر خدانخواستہ چنین شود، یک اشتباه و بدنامی بزرگ تاریخی خواهد بود که لکه ننگی آن ثبت تاریخ می‌شود. امارت اسلامی در پیمان دوحه تعهد





کرده و بارها تکرار نموده است که خاک ما ضد امنیت کسی استعمال نمی‌شود. همچنین سایر کشورها به شمول کشورهای همسایه با حضور رسمی‌شان در اثنای امضای پیمان، تعهد کرده‌اند که زمین و حریم هوایی‌شان بر خلاف افغانستان استعمال نمی‌شود.

### نتیجه‌گیری

تلاش آمریکا برای ایجاد پایگاه نظامی در پاکستان از مخاطرات جدی برای کشورهای منطقه به خصوص برای جمهوری اسلامی ایران است. طالبان به عنوان یکی از قدرت‌های میدانی واقعی در افغانستان (و به عنوان یک جایگزین احتمالی برای حکومت غنی) در رابطه با زمزمه تأسیس چنین پایگاهی واکنش نشان داده و گفته است:

۱. توطئه آمریکایی و عدم وفای به عهد: مقامات آمریکایی به تازگی ابراز داشته‌اند که گویا اشغال افغانستان را با به کار بردن زمین و فضای کشور همسایه ما پاکستان، ادامه می‌دهند. این‌گونه اظهارات مقامات آمریکایی نشان می‌دهد که اشغالگران هیچ‌گاه اراده وفا کردن به تعهدات‌شان را ندارند و هنوز در تلاش‌اند به ظلم، استعمار و بازی‌های شوم خود در جهان اسلام به خصوص افغانستان ادامه دهند.

۲. انتقام آمریکایی‌ها: آمریکایی‌ها اکنون می‌خواهند آتش جنگ را با هدف انتقام گرفتن در منطقه داغ نگه دارند و همسایه‌ها را به یک جنگ پایان‌ناپذیر با افغانستان مبتلا سازند.

۳. تقاضا از پاکستان: امید افغان‌ها از جامعه جهانی بشری، همسایه‌ها و به خصوص مقامات پاکستان این است که شکار اراده‌های شوم اشغالگران آمریکایی نشوند. لازم است همسایه‌ها با افغان‌ها برای حل این فاجعه طولانی همکاری کنند، نه اینکه در بدل متاع قلیل، حامی تداوم اشغال باشند.

۴. ادامه جهاد: حضور آمریکا در چنین پایگاهی به این معناست که آمریکا باز هم خون افغان‌ها را می‌ریزد و به اشغال ادامه می‌دهد. اگر چنین شود، افغان‌ها مثل گذشته، جهاد خواهند کرد.

۵. یادآوری تعهد کشورهای همسایه: سایر کشورها از جمله کشورهای همسایه با حضور رسمی‌شان حین امضای پیمان دوحه، تعهد کرده‌اند از زمین و حریم هوایی‌شان علیه افغانستان استفاده نخواهند کرد.

به نظر می‌رسد جلوگیری از ایجاد پایگاه آمریکایی در پاکستان امری مهم است که علاوه بر تهدیدهای طالبان علیه ایجاد پایگاه، نیاز به اقدام هماهنگ چین، ایران و روسیه در مذاکره با پاکستان دارد تا بتوان پیش از تصویب چنین طرحی در دولت یا ارتش پاکستان، جلوی آن را گرفت. عمق روابط چین و پاکستان می‌تواند عنصری تعیین‌کننده در منع اسلام‌آباد از اجازه تأسیس چنین پایگاهی در خاک پاکستان باشد.





## افزایش نقش چین و روسیه در افغانستان پسا آمریکایی

### رویداد

عمده نیروهای غربی به سرعت در حال ترک افغانستان هستند. کشورهای ائتلاف آیساف به رهبری ناتو که در سال‌های اولیه جنگ، نظامیان خود را به افغانستان اعزام کرده بودند، ماه‌ها قبل از مهلت مقرر در ۱۱ سپتامبر که دولت بایدن تعیین کرده است، افغانستان را ترک خواهند کرد چون این کشورها بیش از این توان دادن تلفات در افغانستان را ندارند. بیش از ۱۱۰۰ سرباز از ۴۰ کشور غیر آمریکایی ناتو و ۲۳۰۰ سرباز ایالات متحده در طول جنگ کشته شده‌اند. این کشورها می‌کوشند از طریق آموزش، مشاوره و کمک به نیروهای نظامی و امنیتی افغانستان، نفوذ خود را حفظ کنند. با این حال از نفوذ اصلی و واقعی غرب با این خروج به شدت کاسته خواهد شد. چین و روسیه که در رقابت ژئوپلیتیکی سختی با آمریکا هستند، به شدت از یک افغانستان غیر آمریکایی استقبال می‌کنند و حتی به آن نیاز مبرم دارند و به همین دلیل با ابزارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی در حال زمینه‌سازی برای افزایش نقش خود در فردای افغانستان هستند (به ویژه از طریق ارتباط با طالبان). خبری در منابع افغان بدون ذکر منبع موثق منتشر شده که حاکی از موافقت قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای بر تقسیم قدرت ۶۰ درصدی برای طالبان و ۴۰ درصدی برای سایرین در حکومت بعدی افغانستان است و این یعنی روسیه و چین بر اساس ارتباط خوب‌شان با طرف‌های مختلف افغان می‌توانند در حکومت بعدی به عنوان یک دوست سیاسی و شریک اقتصادی تعریف شوند.

### تحلیل رویداد

افغانستان سرزمینی است که آمریکا با استفاده از آن می‌تواند سیاست‌های خود را برای مهار رقبا و دشمنانش به نحو چشم‌گیری ارتقا بخشد. همسایگی افغانستان با چین، آسیای مرکزی (منطقه نفوذ روسیه) و ایران و نیز حضور گروه‌های اسلام‌گرای ضد آمریکایی در منطقه، این کشور را به مرکزی مهم برای آمریکا تبدیل کرده است. اما آمریکا توان ادامه وضع پیشین را ندارد. بایدن اذعان می‌کند که خروج کامل نیروهای آمریکایی بدون ریسک و خطر نیست، اما ادعا می‌کند که انتظار برای زمان بهتر برای پایان دادن به درگیری آمریکا در جنگ، به معنی تا ابد ماندن در افغانستان است. هرچند چین و روسیه از خلأ قدرت و جنگ داخلی در افغانستان بیم دارند، اما در افقی کلان از این مسئله خرسندند و درصدد یافتن نقشی مؤثر در فردای افغانستان هستند.

چین درباره خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان موضعی پیچیده دارد. در کوتاه‌مدت چین



نگران است که افغانستان در نبود ارتش ایالات متحده دچار هرج و مرج شود و منطقه مسلمان نشین‌شین جیانگ جین هم از آن متأثر گردد؛ اما در بلندمدت، سیاست‌گذاران چینی از تضعیف آمریکا خوشحال‌اند، هرچند در مورد اهداف این کشور بدگمانند و احتمال می‌دهند آمریکا نفوذ خود را در افغانستان حفظ و از آن برای پیشبرد منافع خود در منطقه استفاده خواهد کرد. چین مایل است یک حکومت انتقالی در افغانستان ایجاد و به دنبال آن یک انتخابات سراسری برای تشکیل دولت ائتلافی شامل دولت فعلی و گروه طالبان، برگزار شود.

مشخص است که از نظر چینی‌ها، حکومت اشرف غنی بخت زیادی برای دوام آوردن در جنگ قدرت با طالبان در سال‌ها یا حتی ماه‌های آینده ندارد؛ اما این رقابت بر سر قدرت ممکن است کشور را به راحتی وارد جنگ داخلی دیگری کند و چین را در برابر پیامدهای آن آسیب‌پذیر سازد. به همین دلیل چین، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، به شدت متوجه پاکستان است تا این کشور مانع از ایجاد چنین وضعی شود. البته یقیناً پاکستان به تنهایی قادر به این کار نیست بلکه پاکستان و ایران هر دو باید بخواهند جلوی آشوب و نبرد بی‌پایان در افغانستان را بگیرند. آمریکا نیز که قادر به حفظ نیروی خود در افغانستان نیست، درصدد ایجاد پایگاهی بزرگ در پاکستان (در ایالت بلوچستان) است. شایعاتی هم مبنی بر قطعی شدن ایجاد این پایگاه یا دست‌کم استفاده از خاک و هوای پاکستان به عنوان مسیر برای آمریکایی‌ها پخش شد. اما وزارت خارجه پاکستان تأکید کرد که هیچ پایگاه نظامی و هوایی ایالات متحده در پاکستان وجود ندارد و چنین پیشنهادی در دست بررسی نیست. در واقع این مطلب پس از آن مطرح شد که دیوید هالووی، دستیار وزیر دفاع آمریکا در امور هند و اقیانوس آرام گفت: پاکستان اجازه استفاده از زمین و هوا به نیروهای آمریکایی را برای دسترسی به افغانستان خواهد داد. شاه محمود قریشی، وزیر امور خارجه پاکستان، این گزارش‌ها را تکذیب کرد. در بیانیه‌ای رسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان گفت: «هر گونه حدس و گمان در این زمینه بی‌اساس و غیرمسئولانه است.» وی افزود: پاکستان و ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ چارچوبی از قوانین همکاری در خطوط هوایی و خطوط ارتباطی زمینی داشته‌اند و توافق جدیدی در این زمینه حاصل نشده است. شاه محمود قریشی، وزیر امور خارجه، نیز چند روز پیش روشن کرده بود که پاکستان قصد ندارد پایگاه‌های نظامی در اختیار ایالات متحده قرار دهد.

در سوی مقابل پاکستان، هند آشکارا از دولت کابل حمایت می‌کند و می‌گوید حتی پس از عقب‌نشینی نیروهای خارجی نیز به پشتیبانی خود ادامه خواهد داد. آویناش پالیوال، متخصص هندی در امور افغانستان گفت: هند فکر می‌کند که اگر خارجی‌ها افغانستان را ترک کنند، قدرت طالبان افزایش می‌یابد که این امر مانع فعالیت‌های هند در افغانستان می‌شود و زمینه را برای نفوذ







پاکستان فراهم می‌کند. (هند نگران نفوذ پاکستان و چین است.) لیزا کرتیس، یکی از اعضای شورای امنیت ملی در زمان رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، دونالد ترامپ، گفت هند نگران است که در صورت عقب‌نشینی نیروهای خارجی از افغانستان، طالبان تسلط خود را بر این کشور بیشتر کنند. ژنرال بیپین راوات، رئیس ستاد هند، گفته است که اگر نیروهای آمریکایی از افغانستان عقب‌نشینی کنند، مجدداً شاهد وضعیت دهه ۱۹۹۰ خواهیم بود و بسیاری از گروه‌های تروریستی به افغانستان روی خواهند آورد و جنگ داخلی دیگری شعله‌ور خواهد شد. در حالی که طالبان در بیانیه‌های مکرر خود به کشورهای منطقه و جهان اطمینان داده‌اند که مبارزه آنها فقط برای آزادی کشورشان و برپایی نظام اسلامی است و تهدیدی برای کسی در خارج از کشورشان نخواهند بود. طالبان همچنین در توافق‌نامه‌ای که با ایالات متحده امضا کردند، وعده داده‌اند از خاک افغانستان علیه هیچ کشور خارجی استفاده نخواهد شد. کارشناسان می‌گویند هند موضع خود را درباره وضعیت افغانستان تا حدودی تغییر داده است، اما هنوز نمی‌خواهد با طالبان مذاکره مستقیم کند. هند یک هیئت غیردولتی را به آخرین اجلاس سران مسکو اعزام کرده بود که نشان می‌دهد این کشور موضع خود را بیش از هر زمان دیگری تغییر داده است. هند تا حدی امیدوار به همکاری با چین و حتی پاکستان است. تحلیلگر هندی، سارانش میشر، نوشته است هر سه کشور به صراحت از مذاکرات صلح افغانستان که زیربنای مذاکرات سیاسی و تقسیم قدرت است، استقبال کرده‌اند. همین اشتیاق مشترک برای یک افغانستان با ثبات می‌تواند امکان همکاری سه‌جانبه چین-پاکستان-هند را هرچند کم، حفظ کند. او معتقد است که چین و پاکستان به هماهنگی راهبردی خود برای حفظ ثبات در افغانستان ادامه می‌دهند، اما پیامدهای این خروج احتمالاً از سوی هند نیز، به ویژه به لحاظ امنیتی در مرزهای شمالی و سرمایه‌گذاری‌های عظیم در افغانستان، احساس می‌شود. بنابراین، به رغم اختلافات موجود، افغانستان پساآمریکا می‌تواند به مکان همکاری میان هند، چین و پاکستان تبدیل شود. با این حال، در مورد همکاری هند هنوز سؤال‌هایی مطرح است، زیرا روابط هند و چین پس از درگیری سال ۲۰۲۰ در مرز هیمالیا به بحران کشیده شد. علاوه بر این، روابط هند و پاکستان نیز به علت موضوعات متعدد از جمله لغو ماده ۳۷۰ درباره وضعیت کشمیر وارد بحران‌های جدیدی شده است. با اینکه هند، چین و پاکستان همسایگان منطقه‌ای متخاصم هستند، اما به شدت تحت تأثیر خطرهای جدی امنیت و چالش‌های اقتصادی افغانستان پس از خروج ایالات متحده قرار دارند. به رغم موانع مختلف فرا روی همکاری، به نفع آنهاست که به ترویج نظم و صلح در افغانستان کمک کنند.

روسیه نیز که با مجموعه‌ای از اقدامات امنیتی و نظامی در حمایت از طالبان، ضرباتی به آمریکا وارد کرده است (البته روسیه انکار می‌کند) برای افغانستان پساآمریکایی آماده می‌شود.





لاوروف گفته است که روسیه برای هرگونه وقایع در افغانستان آماده است. او در مصاحبه با روزنامه آرگومینتی ای فاکتی که روز دوشنبه (۲۴ می) منتشر شد، اظهار داشت روسیه پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان آماده هرگونه پیشرفت اوضاع در این کشور است. لاوروف گفت به همین منظور، روسیه با سایر کشورها به طور فعالانه در ترویج روند صلح و آشتی ملی در این کشور کار می‌کند.

به گفته لاوروف، ترس به دست گرفتن قدرت توسط طالبان را در درجه اول ناظران غربی ابراز می‌کنند. وی تأکید کرد: «با این حال، اولاً، طالبان خود اعلام می‌کنند چنین مقاصدی ندارند. ثانياً، بدیهی است نیروهای سیاسی افغانستان نیز از به قدرت رسیدن طالبان با زور حمایت نخواهند کرد.» (یعنی روسیه از ایجاد حکومت ترکیبی با حضور طالبان، احتمالاً همان ۶۰ درصد گفته شده، حمایت خواهد کرد.)

همچنین نماینده ویژه رئیس‌جمهور روسیه برای افغانستان احتمال استقرار نیروهای آمریکایی در تاجیکستان و ازبکستان را پس از خروج از افغانستان رد کرده است. به نقل از اسپوتنیک، ضمیر کابلوف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور روسیه برای افغانستان، در مصاحبه با روزنامه ایزوستیا گفت: کشورهای تاجیکستان و ازبکستان، پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، اجازه نخواهند داد پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاک‌شان مستقر شوند. کابلوف گفت که تاجیکستان عضو سازمان پیمان امنیت جمعی است و چنین تصمیم‌هایی باید توسط این سازمان تأیید شود. ازبکستان هم با روسیه مشارکت راهبردی دارد. به علاوه این کشور قانونی را تصویب کرده است که ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی در خاک‌شان را ممنوع می‌کند. کابلوف افزود: «بنابراین نیاز نیست نگران باشیم.»

### نتیجه‌گیری

برای چین و روسیه، خروج آمریکا و سایر نیروهای ناتو از افغانستان همراه با بیم و امید است. بیم اندکی از آشوب و امید فراوانی به تضعیف موقعیت منطقه‌ای آمریکا و فعال‌تر شدن این دو کشور در آسیای مرکزی، جنوبی و حتی غربی. چین از طریق روابط گسترده امنیتی و اقتصادی با پاکستان درصدد بهبود شرایط برای خود است. مقامات روسیه نظیر لاوروف و کابلوف نیز آشکارا از افغانستان پس‌آمریکایی استقبال کرده‌اند. به نظر می‌رسد نوعی اجماع برای حضور طالبان در قدرت آینده افغانستان همراه سایر گروه‌های بزرگ قدرت به میزان ۶۰-۴۰ وجود دارد و جمهوری اسلامی ایران باید با رصد دقیق مسئله و طی رایزنی‌های عمیق با پاکستان، چین و روسیه، نقشی سازنده در این میان ایفا کند.



## رویکرد ساختار شکنانه مصطفی الکاظمی در تعامل با اربیل

### رویداد

هیئت دولت عراق در یک نشست تصمیم به پرداخت ۲۰۰ میلیارد دینار در ماه برای تأمین بودجه حقوق کارمندان و حقوق‌بگیران اقلیم کردستان گرفت. وزیر دارایی عراق با این اقدام مخالف بوده و به همین دلیل این تصمیم در نشست هیئت دولت به رأی گذاشته شده و با اکثریت آرا به تصویب رسید. این تصمیم بهانه‌ای برای دولت اقلیم در تداوم کاهش حقوق پرداختی به حقوق‌بگیران باقی نمی‌گذارد.

### تحلیل رویداد

مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق، به دنبال بهانه‌ای برای پرداخت مبلغی به اقلیم کردستان بوده و چندین بار از علی علاوی، وزیر دارایی این کشور، درخواست کرده بود که مبلغی از بودجه را به اقلیم پرداخت کند، اما وی مخالفت می‌کرد. پس از بازگشت هیئت دیوان نظارت اقتصادی عراق از اقلیم کردستان، الکاظمی این فرصت را معتنم دانسته و موضوع پرداخت ۲۰۰ میلیارد دینار بودجه در ماه به اقلیم را در نشست هیئت دولت به رأی گذاشت و وزارت دارایی را ناچار کرد که این بودجه را به اقلیم پرداخت کند. با احتساب پرداخت این مبلغ، مجموع بودجه اختصاص داده شده به اقلیم کردستان به بیش از ۱ تریلیون دینار می‌رسد که ۱۰۰ میلیارد دینار بیشتر از بودجه لازم برای پرداخت حقوق کامل به حقوق‌بگیران است.

وزارت دارایی عراق در نامه‌ای به وزارت دارایی اقلیم کردستان اعلام کرد که پس از اتمام بازبینی و بررسی اطلاعات مربوط به درآمدهای غیر نفتی اقلیم توسط دیوان نظارت فدرال و اقلیم، در هر ماه ۲۰۰ میلیارد دینار بودجه را برای تأمین حقوق کارمندان و حقوق‌بگیران به اقلیم پرداخت می‌کند. در این نامه آمده که این مبلغ از اولین روز از اولین ماه از سال جاری میلادی محاسبه و پرداخت می‌شود. به این ترتیب، بغداد برای شش ماه گذشته مبلغ ۱ تریلیون و ۲۰۰ میلیارد دینار را به‌عنوان بودجه حقوق کارمندان و حقوق‌بگیران اقلیم پرداخت می‌کند.

این اقدام مصطفی الکاظمی با استقبال جریان‌ات کرد همراه شد. «لاهور شیخ جنگی»، رئیس مشترک اتحادیه میهنی کردستان، نیز در اظهاراتی اعلام کرد که حقوق‌بگیران اقلیم به زودی مزه‌ده خوشی را خواهند شنید. مسرور بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم کردستان، نیز با انتشار پیام‌هایی در حساب کاربری توئیتر خود اعلام کرد که با مصطفی الکاظمی درباره بهبود روابط میان اربیل و بغداد گفتگو کرده و با وی به توافقی رسیده که سهم بودجه اقلیم کردستان پرداخت شده و بودجه



ماه‌های گذشته نیز از اولین ماه سال جاری میلادی با مکانیسم «گذشته را هم شامل می‌شود» به اقلیم پرداخت خواهد شد.

بارزانی ضمن ابراز خوشحالی از این توافق و قدردانی از نخست‌وزیر عراق برای رهبری و عملکرد درست و نیز حمایت از توافق با اربیل، تأکید کرد: «این نقطه عطف مهمی است و با یکدیگر بر مانع سختی فائق آمدیم.»

با پرداخت این مبلغ از سوی دولت عراق به دولت اقلیم کردستان، مجموع درآمدهای ماهانه دولت اقلیم به شرح ذیل خواهد بود:

۱. ۲۰۰ میلیارد دینار بودجه پرداختی از سوی بغداد؛
۲. ۳۰۰ میلیون دلار (۴۵۰ میلیارد دینار) درآمد نفت برای حقوق؛
۳. ۳۵۰ میلیارد دینار درآمدهای داخلی؛
۴. ۲۵ میلیارد دینار کمک مالی ائتلاف ضد داعش.

مجموع همه این موارد برابر است با ۱۰۲۵ میلیارد دینار و از سوی دیگر، بودجه مورد نیاز برای پرداخت حقوق کامل به حقوق‌بگیران اقلیم کردستان برابر است با ۸۹۴ میلیارد دینار. به این ترتیب، بیش از ۱۳۰ میلیارد دینار از بودجه نیز مازاد خواهد بود.

بودجه لازم برای پرداخت کامل حقوق ماهانه در اقلیم ۸۹۴ میلیارد دینار می‌باشد. دولت اقلیم اکنون ۷۰۶ میلیارد آن را تأمین می‌کند؛ یعنی با کسری ۱۸۸ میلیارد دینار مواجه است. با پرداخت ماهانه ۲۰۰ میلیارد دینار از سوی دولت مرکزی عراق، توان مالی دولت اقلیم برای پرداخت حقوق به ۹۰۶ میلیارد دینار افزایش می‌یابد؛ یعنی ماهانه ۱۲ میلیارد دینار نیز بیشتر خواهد داشت.

گفتنی است که این اقدام مصطفی الکاظمی اقامتی فراقانونی، ساختارشکنانه و برخلاف قانون بودجه ۲۰۲۱ است. بر اساس قانون بودجه ۲۰۲۱ عراق، اقلیم کردستان باید در ازای دریافت ۱۲/۶۷ درصد از بودجه ۲۰۲۱، نیمی از درآمدهای داخلی خود را به همراه درآمد حاصل از فروش ۲۵۰ هزار بشکه نفت در روز به نرخ جهانی را به دولت عراق تحویل دهد. در این زمینه، کمیسیون اقتصادی مجلس عراق ضمن موضع‌گیری به مخالفت با این اقدام پرداخت و در بیانیه‌ای اظهار داشت که از هیئت وزیران می‌خواهد به‌طور کامل به مفاد متن قانون بودجه عمومی سال ۲۰۲۱ عراق درباره سازکارهای پرداخت سهم بودجه اقلیم کردستان پایبند باشد و در این زمینه از هر گونه اجتهادی درباره متن خودداری کند. بر اساس این بیانیه، قانون بودجه سازکارهای مشخص و غیرقابل تأویل یا تعارفی را برای تعامل در این باره ارائه و تعهدات دولت‌های اربیل و بغداد را مشخص کرده است.

کمیسیون اقتصادی مجلس عراق در پایان، افراد و نهادهایی را که به بندهای مذکور در قانون





بودجه پایبند نباشند را از نظر قانونی مسئول اقداماتشان در این زمینه دانسته و درباره پیگرد قانونی به آنها هشدار داده است.

در مقابل موضع‌گیری ایجابی جریان‌های کرد، جریان‌های شیعه در برابر این اقدام مصطفی الکاظمی موضع گرفته و آن را نقض قانون بودجه ۲۰۲۱ مطرح ساختند. شدیدترین موضع‌گیری در این زمینه به ائتلاف فتح تعلق داشت. این ائتلاف، توافق دولت مرکزی با دولت اقلیم کردستان برای پرداخت ماهیانه ۲۰۰ میلیارد دینار، بر اساس اصل عطف به ماسبق از ژانویه ۲۰۲۱ به بعد، برای دولت اقلیم کردستان در چارچوب سهم آن از بودجه دولت مرکزی را «نقض آشکار» بندهای بودجه دانست و تهدید کرد که از همه راه‌های قانونی برای لغو این توافق که باعث تشکیک درباره دولت از سوی مردم خواهد شد، بهره خواهد گرفت.

جنبش بایلیون نیز علیه این اقدام مصطفی الکاظمی موضع‌گیری کرد. این جنبش در بیانیه‌ای اعلام کرد که باید با مصوبه اخیر هیئت وزیران درباره پرداخت ماهیانه ۲۰۰ میلیارد دینار به اقلیم کردستان، بر اساس اصل عطف به ماسبق از ابتدای سال جاری میلادی، بدون واگذاری هیچ بخشی از درآمدهای حاصل از فروش نفت به دولت بغداد مقابله کرد؛ به‌ویژه اینکه قیمت جهانی نفت در ماه‌های اخیر افزایش یافته و به دولت اقلیم کردستان به بودجه مازاد دست یافته است. همچنین اربیل به پرداخت مطالبات دولت مرکزی در زمینه درآمدهای پایانه‌های مرزی واقع در اقلیم کردستان پایبند نبوده است. به همین دلیل باید به صورت جدی در برابر این اقدام غیرقانونی و متناقض با قانون اساسی کشور ایستاد.

### نتیجه‌گیری

مصوبه هیئت وزیران، نادیده گرفتن واضح و آشکار نهاد قانون‌گذاری از سوی دولت است. اقدام اخیر مصطفی الکاظمی اقدامی ساختارشکنانه و بدون در نظر گرفتن بسترهای قانونی و همچنین آرای شرکای خود در روند سیاسی است؛ این در حالی است که اربیل در مقابل این اقدام تاکنون نسبت به انجام تعهدات خود بر اساس قانون بودجه ۲۰۲۱ اقدام نکرده است. در این زمینه، باید پارلمان عراق از ظرفیت‌های قانونی خود استفاده کند و به همین دلیل باید نخست‌وزیر و وزیر اقتصاد را برای بررسی توافق بین اربیل و بغداد و دور زدن قانون بودجه عمومی کشور به صحن علنی فراخواند.





## تحلیلی بر پیشروی سریع طالبان در افغانستان

### رویداد

طالبان در دو هفته اخیر دست کم ۲۴ ولسوالی (شهرستان) جدید را کاملاً تصرف کرده‌اند و به سرعت در حال گسترش مناطق تحت تصرف خود هستند. فقط در ۲۳ خرداد ۱۴۰۰ چهار شهرستان در ولایت‌های «زابل» (در جنوب کشور)، «فراه» (در غرب) و «قندوز» (در شمال افغانستان) تحت تسلط نیروهای طالبان درآمده‌اند. این مسئله نیاز به تحلیل و بررسی چندبعدی (داخلی و بین‌المللی) دارد که در این یادداشت به این مهم می‌پردازیم.

### تحلیل رویداد

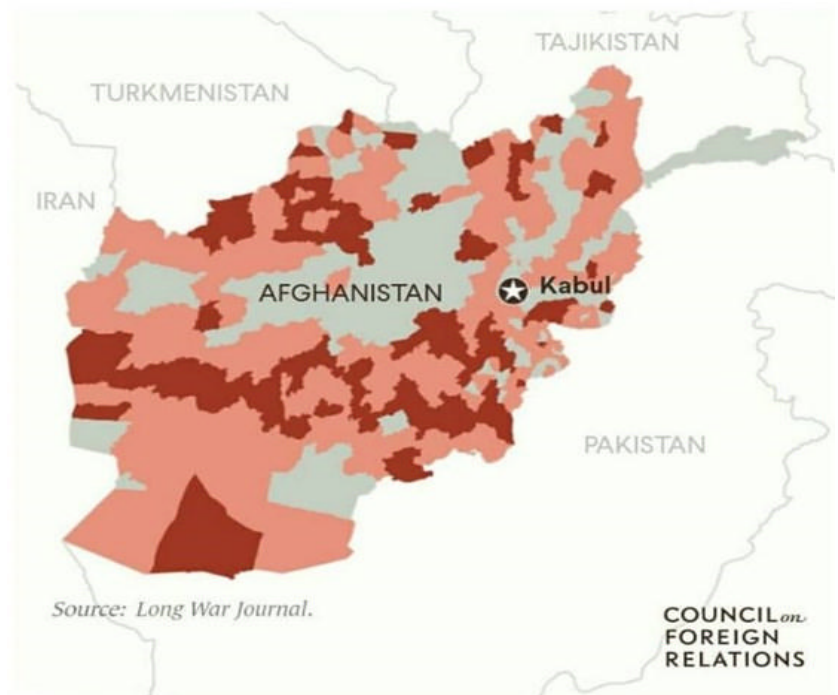
اتفاقات جهانی و داخلی باعث اعتماد به نفس بیشتر طالبان و پیشروی سریع این گروه شده است. در داخل افغانستان طالبان به عنوان پیروز جنگ بیست ساله علیه آمریکا شناخته می‌شوند. بر این اساس طالبان امروز می‌اندیشد که پیروزی بر دست‌نشانندگان آمریکا نیز چندان سخت نخواهد بود؛ هرچند تلاش می‌کند از راه مذاکره و پیغام‌های متعدد برای رهبران احزاب جهادی، از عده و عده جبهه دولت بکاهد و بتواند برخی جریان‌های سیاسی را با خود همراه سازد. برگ برنده دیگر طالبان ناامنی در مناطق تحت تسلط دولت و فساد و بی‌عرضگی آشکار در بسیاری از دستگاه‌های دولتی است؛ در حالی که خلاف آن در مناطق تحت کنترل طالبان دیده می‌شود. به همین علت «الله گل مجاهد»، نماینده مجلس، عضو حزب جمعیت اسلامی و از بزرگان مجاهد تاجیک، یکی از علل کامیابی طالبان را نیاز مردم به حفظ امنیت در روستا و شهر محل زندگی‌شان دانسته است. برخلاف دولت که در برقراری امنیت عاجز مانده، طالبان در این زمینه چهره خوبی از خود تصویر کرده است. اما در سوی مقابل، تحرک چشم‌گیری در میان رهبران سیاسی و نظامی شمال علیه طالبان دیده می‌شود. هدف این تحرک ابتدا سد کردن پیشروی‌های طالبان و سپس نابود کردن پایگاه‌های این گروه در مناطق شمالی کشور است. مارشال دوستم امروز طالبان را نه در قندهار و هلمند، بلکه در همسایگی خود در فاریاب، بادغیس و فراه می‌بیند و به همین علت در معرکه‌ای برای بقا با تمام توان وارد شده است. عطا محمد نور، به‌عنوان یکی از چند چهره قدیمی جمعیت اسلامی، بر همین مبنا تلاش دارد ائتلافی از دوستم، محقق و شاخه جمعیت اسلامی تحت نفوذ خود ترتیب دهد تا بتواند مقابل طالبان ایستادگی کنند. با این حال میزان تفرقه میان ایشان و نیز قومیت‌هایشان بسیار زیاد است؛ از این‌رو جای تأمل دارد که این ائتلاف بتواند نیروی فراوانی را جمع کند و نگه دارد.



# Taliban Control in Afghanistan

Control by district, as of March 2021

- Taliban control or claim
- Contested
- Government control or undetermined



تنها قسمت خاکستری‌رنگ در تصرف کامل دولت است و کابل نیز در وضعیتی شکننده قرار دارد. میانجی‌گری بزرگان محلی و نیز نبود انگیزه برای ادامه جنگ بین برخی نیروهای دولتی باعث تسلیم تعدادی از مراکز نظامی به طالبان شده است. دست‌کم ۲۶ پاسگاه و پایگاه نیروهای امنیتی در چهار ولایت لغمان، بغلان، میدان وردک و غزنی طی ماه‌های اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰ تسلیم طالبان شده‌اند. در سرپل نیز نزدیک به ۱۸ پاسگاه امنیتی در مسیر شاهراه سرپل - شبرغان بدون درگیری به دست طالبان سقوط کرده است.

نیویورک تایمز گزارش کرده است که این پاسگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی افغانستان در محاصره طالبان قرار داشته‌اند. مهمات این نیروها تمام شده بود و حتی مواد خوراکی بسیار کمی داشتند. طالبان پس از محاصره این مراکز نظامی پیام «تسلیم شوید یا بمیرید» را به بزرگان محل می‌دادند تا





به نیروهای امنیتی منتقل کنند.

براساس این گزارش، نیروهای پلیس افغان به ازای تسلیم شدن به طالبان و تحویل دادن سلاح و تجهیزات خود و تعهد اینکه دیگر به صفوف نیروهای امنیتی نمی‌پیوندند اجازه عبور ایمن و بازگشت به خانه‌های خود را پیدا کردند. تسلیم نیروها معمولاً کار «کمیته دعوت و ارشاد» طالبان است.

طبق همین گزارش، برخی از نیروهای پلیس در ۵ ماه گذشته حقوق دریافت نکرده‌اند.

با توجه به نقشی که بزرگان محلی در ترغیب نیروهای مستقر در پایگاه‌ها و پاسگاه‌ها به تسلیم شدن در برابر طالبان دارند، مقامات دولتی افغانستان هشدار داده‌اند که با واسطه‌هایی که سبب تسلیم شدن پایگاه‌های نظامی می‌شوند به عنوان «دشمن» رفتار خواهد شد.

در پی پیروزی‌های طالبان، عبدالرشید دوستم گفته است که پیروزی‌های طالبان به علت طراحی‌های نظامی و حضور ژنرال‌های پاکستانی و القاعده برای رهبری جنگ شمال است. برخی صفحه‌های مجازی افغانستان نیز مدعی شده‌اند که اسرای طالبان خبر از حضور مستشاران نظامی پاکستانی و ایرانی بین خود داده‌اند. دوستم و امثال او مسئله جنگ را تقلیل می‌دهند و توجه نمی‌کنند که نیروهای طالبان از قدرت ایدئولوژی برخوردارند و با جدیت و انگیزه در صحنه نبرد حاضر می‌شوند؛ در حالی که نیروهای مقابل معمولاً چنین انگیزه‌هایی ندارند. مسئله پایگاه اجتماعی نیز مسئله مهم دیگری است که در این تحلیل‌ها نادیده گرفته می‌شود و با پاکستانی و پنجابی نامیدن نیروهای طالبان سعی در پاک کردن صورت مسئله دارند. گفتنی است بسیاری از نیروهای پشتون پاکستانی طالبان از پشتون‌های اصالتاً افغانستانی مهاجر به پاکستان در دوره جنگ هستند و تفکیک میان پشتون‌های دو سوی خط دیورند کار راحتی نیست. نادیده گرفتن قدرت بومی و واقعی طالبان، اشتباه راهبردی برخی از سیاسیون افغان و کشورهای منطقه و حتی آمریکایی‌ها بوده و همین مسئله باعث عملی نشدن برنامه‌های آنها در افغانستان شده است. اگر طالبان ریشه‌ای مستحکم بین بخش‌های وسیعی از مردم افغانستان، به خصوص میان پشتون‌ها نداشتند، زمانی که نزدیک به ۵۰۰ هزار نیروی داخلی و خارجی علیه این گروه می‌جنگیدند، از صحنه سیاسی و نظامی افغانستان حذف می‌شدند.

طالبان امروز به تجهیزات پیشرفته‌تری مجهز شده‌اند و در ولایت‌های مختلف شمال و جنوب افغانستان به نبرد پهبادی رو آورده‌اند. جمع این مسائل باعث می‌شود که از یک سو دلیل پیشروی‌های طالبان تا حدی راحت‌تر فهم شود و از سوی دیگر، قدرت‌گیری بیشتر طالبان طی ماه‌های آینده قابل پیش‌بینی باشد.<sup>۱</sup> بر این اساس باید در روابط میان شیعیان و طالبان هم دقت

۱. وضعیت سیاسی و نظامی کنونی افغانستان دست‌کم از پاییز ۱۴۰۰ قابل پیش‌بینی بود. به این مسئله در همین نشریه و در همان زمان پرداخته شد.





بیشتری کرد. سخنگوی گروه طالبان (ذبیح الله مجاهد) در مصاحبه با خبرگزاری تسنیم گفته است: «زندگی برادرانه ما در کنار اهل تشیع موضوع جدیدی نیست و امارت اسلامی» به نمایندگی از مردم افغانستان، مبارزه ۲۰ ساله علیه اشغال آمریکایی را پیش برده است. مردم مسلمان این کشور، صرف نظر از اینکه به کدام قوم یا مذهب منتسب باشند، کنار یکدیگر جهاد کرده‌اند.» وی در ادامه افزود: «همه مردم افغانستان در جهاد علیه اشغال با ما همراه بودند. اکنون نیز امارت اسلامی همه قشرهای مردم را جزئی از وجود خود می‌داند. اهل تشیع جزئی از هم‌وطنان ما هستند، برادر ما هستند، مشکلی نخواهند داشت... ما سالیان سال با اهل تشیع و سایر اقوام با وجود تفاوت‌هایی که در مردم هست، برادرانه زندگی کردیم و این چیز جدیدی نیست. ما در ولایت‌های مرکزی افغانستان نشست‌ها و شوراهایی با شیعیان داریم و همواره ارتباطات نیکی با هم داشته و از این به بعد نیز خواهیم داشت.»

وی درباره کسانی که در نیروهای نظامی افغانستان حضور دارند نیز گفته است:

«از طرف طالبان هیچ خطری وجود ندارد. اگرچه برخی از افراد از اقوام مختلف در سال‌های گذشته در اشغال سهیم بودند، اما از این پس همه را عفو می‌کنیم. البته اجازه هیچ نوع شورشی را هم نمی‌دهیم. کسانی که اسلحه به دوش دارند باید سلاح بر زمین بگذارند و بدون هراس به زندگی عادی بازگردند. حقوق همه حفظ خواهد شد.»

در همین رابطه مسئولان «کمیسیون دعوت و ارشاد امارت اسلامی افغانستان» در بیانیه مهمی گفته‌اند که طالبان «می‌خواهند با این نامه بار دیگر پیام حسن نیت و همدردی خود را برسانند. امید است که مالک قلب‌ها - جل جلاله - این نامه را وسیله شرح‌الصدر بگرداند». در این بیانیه آمده است که پس از سال‌ها جهاد علیه کمونیست‌ها، «مجاهدین با هم درگیر شدند و آنارشیزم که فتنه بزرگی است به میان آمد؛ [در نتیجه] هدف اصلی جهاد کامیاب ما که اعلای کلمه الله بود، از دست رفت و شهادت‌ها، جراحت‌ها، مهاجرت‌ها و قربانی‌های بی‌شمار مردم افغانستان بی‌نتیجه شد... در سال ۲۰۰۱، نیروی قدرتمند جهان - ناتو - به رهبری آمریکا هجوم آوردند، خاک ما را اشغال کردند، ما را در خانه خود محکوم و مغلوب ساختند، زمام زمین و فضای کشور ما را به دست خود گرفتند، ده‌ها هزار افغان بیچاره را شهید و زخمی ساختند و هزاران تن دیگر را در گوانتانامو، بگرام و زندان‌های مخفی دیگر انداختند و با آنها چنان رفتار غیرانسانی داشتند که بشریت از آن خجالت می‌کشد. به علاوه، با هدف





پیاده کردن پلان‌های [طرح‌های] جهانی‌شان، میدان‌ها و پایگاه‌های بزرگ نظامی در کشور ما ایجاد کردند و بعضی اشخاص فراری و رانده‌شده را برای تذلil مردم سربلند، عزتمند و مجاهد ما با خود آوردند و در اینجا حاکم ساختند... اما اکنون که لله الحمد، متجاوزین خارجی نیز پس از دو دهه حقایق را درک کردند و به این گردن نهادند که از راه تفاهم کشور ما را ترک کنند و همه نیروهای خود را خارج کنند، این بشارت بزرگی برای همه افغان‌هاست.»

چنان‌که دیده شد، این پیام علاوه بر مسئله وحدت همه افغان‌ها، به ضرورت خروج همه نیروهای آمریکایی از افغانستان هم اشاره کرده است. وزارت امور خارجه آمریکا با درک احساسات به‌شدت ضدآمریکایی در افغانستان و با توجه به احتمال سقوط کابل، به همه پرسنل سفارت این کشور در کابل دستور داده است که افغانستان را ترک کنند مگر اینکه شغل آنها ایجاب کند از نظر فیزیکی در افغانستان مستقر باشند. به نظر می‌رسد در این شرایط سخت، یکی از مهم‌ترین و آخرین حربه‌های آمریکا استفاده از نیروهای شرکت دین کورپ<sup>۱</sup> در افغانستان باشد.

### نتیجه‌گیری

طالبان به دلیل اعتماد به نفس ناشی از احساس غلبه بر آمریکا، انگیزه دینی نیروهای رزمنده خود، فساد گسترده در دستگاه حاکمیت و ناامنی در مناطق تحت امر حاکمیت با سرعت نسبتاً زیادی پیشروی می‌کنند. نادیده گرفتن قدرت بومی و واقعی طالبان، اشتباه راهبردی بزرگی است که باعث اتخاذ تصمیم‌های نادرست یا متناقض در مورد طالبان می‌شود. اگر طالبان ریشه‌ای مستحکم بین بخش‌های وسیعی از مردم افغانستان، به‌خصوص پشتون‌ها نداشتند، زمانی که نزدیک به ۵۰۰ هزار نیروی داخلی و خارجی علیه این گروه می‌جنگیدند، از صحنه سیاسی و نظامی افغانستان حذف شده بودند؛ اما چنین نشد و برعکس طالبان امروز بسیاری از پایگاه‌های نظامی را حتی بدون جنگ و با میانجی‌گری بزرگان منطقه‌ای تصرف می‌کنند.



۱. شرکت دین کورپ (DynCorp) که اخیراً دین کورپ بین‌المللی (DynCorp International) نامیده شده است، یک پیمانکار نظامی خصوصی آمریکایی، شبیه شرکت بلک واتر است. (بلک واتر امروز نام خود را به «آکادمی» تغییر داده است.)



## بررسی ابعاد سفر بایدن به اروپا

### رویداد

جو بایدن قرار است در نخستین سفر خارجی خود به مدت حدود یک هفته از ۱۹ خرداد ۱۴۰۰ (۹ ژوئن ۲۰۲۱)، از کشورهایی همچون انگلیس، بلژیک و سوئیس دیدار و طی این سفر در سه نشست مهم گروه ۷،<sup>۱</sup> ناتو و اتحادیه اروپا شرکت کند. بایدن همچنین قرار است با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، دیدار کند. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، روز چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۰ (۹ ژوئن ۲۰۲۱)، پیش از عزیمت به سفر یک هفته‌ای خود، در سخنانی اعلام کرد: «می‌خواهم با ارسال پیامی، روسیه و چین را از وحدت آمریکا و اروپا مطلع کنم.»

نخستین سفر جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در ۲۳ خرداد ۱۴۰۰ با عزیمت وی به انگلیس آغاز شد. او سیزدهمین رئیس‌جمهوری آمریکا بود که با الیزابت دوم، ملکه انگلیس، که هفتمین دهه از سلطنت خود را آغاز کرده است، ملاقات کرد. به گزارش یو.اس.ای. تودی، ملکه انگلیس تاکنون با رؤسای جمهوری آمریکا همچون هری ترومن (۱۹۵۲)، آیزنهاور (۱۹۵۷)، جان اف. کندی (۱۹۶۱)، ریچارد نیکسون (۱۹۷۰)، جerald فورد (۱۹۷۶)، جیم کارتر (۱۹۷۷)، رونالد ریگان (۱۹۸۳ و ۱۹۸۸)، جرج اچ. دبلیو بوش (۱۹۹۱)، بیل کلینتون (۲۰۰۰)، جرج واکر بوش (۲۰۰۷)، باراک اوباما (۲۰۱۱ و ۲۰۱۶) و دونالد ترامپ (۲۰۱۸ و ۲۰۱۹) دیدار کرده بود. گفتنی است ملکه انگلیس که همسر خود، شاهزاده فلیس، را از دست داده، برای نخستین بار به تنهایی با رئیس‌جمهور آمریکا ملاقات کرده و ممکن است آخرین ملاقات وی هم باشد.

بایدن در ادامه سفر خود، پس از انگلیس، عازم بروکسل، پایتخت بلژیک، شد و در سایر نشست‌های بین‌المللی همچون نشست ناتو و اتحادیه اروپا شرکت کرد. جو بایدن مهم‌ترین بخش سفر خود را در سوئیس در دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، در ۲۶ خرداد ۱۴۰۰ (۱۶ ژوئن ۲۰۲۱) به پایان برد. البته وی پس از این ملاقات و در همان روز با رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه سوئیس در ژنو دیدار کرد.

### تحلیل رویداد

به گزارش شبکه خبری سی.ان.ان، بایدن قصد دارد در دیدار با رئیس‌جمهوری روسیه در سوئیس به

---

۱. کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا، کانادا و ژاپن اعضای گروه هفت هستند که در کورن وال در جنوب غربی انگلیس با هم دیدار می‌کنند.



مسئله «حیاتی» دفاع از منافع آمریکا، به ویژه در زمینه حملات سایبری پردازد. از دید بایدن، این حملات که امکان فلج کردن آمریکا را در زمینه زیرساخت‌ها دارد و آمریکا را به استیصال کشانده است، متوجه روسیه است. برخی گزارش‌ها حاکی است در سال ۲۰۲۰، بنابر برآورد کارشناسان، دست‌کم ۱۵ هزار حمله سایبری باج‌افزاری<sup>۱</sup> علیه زیرساخت‌های آمریکا رخ داده است. کاخ سفید از شرکت‌های آمریکایی خواسته است پیش از آنکه قربانی چنین حملات سایبری شوند، موارد امنیتی شبکه‌ای را خود اعمال کنند، چون دولت فدرال به تنهایی قادر به انجام این کار نیست.

اهمیت دیدار جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه را جک سولیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، طی یک کنفرانس خبری این‌گونه بیان کرد: «تا پایان این سفر انتظار می‌رود رؤسای هر دو کشور پیامی آشکار در زمینه راهبرد امنیتی اعلام کنند تا بتوان به پیشرفت‌هایی درباره کنترل تسلیحات و سایر تسلیحات هسته‌ای به منظور کاستن از تنش‌ها و ایجاد ثبات و احترام در روابط دوجانبه دست یافت.

با وجود اینکه منابع نزدیک به دولت بایدن و حزب حاکم دموکرات این سفر را در چارچوب «تقویت چندجانبه‌گرایی» تبلیغ می‌کنند، اما به نظر نمی‌رسد این اصطلاح دقیق باشد؛ زیرا کشورهای بزرگی که اضلاع و جوانب دیگر قدرت را در نظام بین‌الملل تشکیل می‌دهند، مانند چین، هند و غیره در چارچوب این سفر و دیدارهای آن قرار ندارند. بر این اساس می‌توان گفت در عمل آنچه به این سفر مربوط می‌شود این است که دولت ایالات متحده و شخص بایدن می‌خواهند در این سفر، پل‌های تخریب‌شده میان دو سوی آتلانتیک در زمان ترامپ و حاکمیت او انجلیست‌ها<sup>۲</sup> را ترمیم کنند تا شاید از پشتوانه حمایتی اتحادیه اروپا در سایر معادلات جهانی بهره‌مند شوند. این هدف در واقع هدفی دوسویه است؛ زیرا اروپا هم از رویکرد و اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه ترامپ ناراضی و امیدوار بود با پیروزی بایدن بتواند به بازتولید روابط دیرینه خود با ایالات متحده مبادرت ورزد.

به نظر می‌رسد تنظیم دیدار با پوتین در بخش آخر این سفر نیز با این هدف انجام شده است که بایدن بتواند در جریان نشست‌های گروه ۷، سران ناتو و سران اتحادیه اروپا با کشورهای مثل آلمان و فرانسه که همچنان برای حفظ مراودات خود با روسیه پافشاری می‌کنند، به توافقات جدید دست یابد تا بلکه در دیدار با پوتین از موضع قوی‌تری ظاهر شود. در حالی که دینفس نیوز گزارش داد متحدان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) قرار است در دیدار با جو بایدن، رئیس‌جمهوری



۱. منظور حملات سایبری باج‌خواهانه‌ای است که به تأسیسات مختلف آمریکا شده است.  
۲. او انجلیست‌ها، مسیحیان صهیونیست هستند و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکا، یک مسیحی صهیونیست شناخته می‌شود.



آمریکا، در بروکسل، مخالفت خود را با استقرار موشک‌های هسته‌ای زمینی در اروپا ابراز کنند. این موضع سران ناتو، بازتاب اظهارات و مواضع قبلی ینس استولتبرگ، دبیرکل ناتو بوده و قرار است در پیش نویس بیانیه‌ای که بعد از اجلاس سران ناتو منتشر می‌شود، مطرح شود. این اقدام ناتو، راه‌حل احتمالی برای کاهش تنش‌ها با مسکو و آمادگی برای مذاکره بر سر کنترل سلاح در آستانه اجلاس آمریکا و روسیه در ژنو قلمداد می‌شود.

مذاکرات ناتو در این زمینه در پاسخ به پیشنهاد مسکو برای تعلیق استقرار موشک‌های کوتاه و میان‌برد زمینی مطرح شده است. ناتو و کاخ سفید از پاسخ‌گویی فوری به سؤالی در این زمینه خودداری کرده‌اند و از زمان استقرار موشک‌های زمینی اس.اس.سی - ۸ روسیه، تصمیمی در این باره گرفته نشده است. در حالی که آمریکا می‌گوید روسیه با این اقدام، توافق پیمان منع استقرار موشک‌های هسته‌ای میان‌برد را نقض کرد و باعث شد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، نیز از این توافق خارج شود. از طرف دیگر روسیه مدعی است آمریکا با خروج خود، این پیمان را نقض کرده است.

بایدن با پیش‌دستی و به‌منظور در موضع انفعالی قرار دادن پوتین اعلام کرد که در دیدار با رئیس‌جمهور روسیه درباره وضع حقوق بشر در این کشور گفت‌وگو می‌کند. مقامات روس هم در اقدامی تقابلی اعلام کردند که درباره وضع حقوق بشر، دستگیری‌های پاییز سال گذشته در آمریکا و به‌خصوص وضع زندانیان در گوانتانامو گفت‌وگو خواهند کرد. این اقدام نشان می‌دهد که روس‌ها برای مذاکره با بایدن در صورتی که بخواهد ژست طلبکارانه بگیرد، از آمادگی لازم برخوردارند و او را به چالش خواهند کشید. برخی کارشناسان نیز بر این باورند که روابط آمریکا و روسیه نسبت به دوران جنگ سرد، تیره‌تر شده است. در دوران جنگ سرد گرچه روابط دو قدرت تیره بود، اما با احترام همراه بود؛ اما اکنون بایدن با «قاتل» خطاب کردن پوتین، به شدت موجب ناراحتی او شده است. این نوع رفتار به‌زعم پوتین، غیرمحترمانه و بی‌سابقه است. بر این اساس اعزام نیروهای نظامی به مرزهای اوکراین هشدار می‌شود تا دست از این قبیل لفاظی‌ها بردارد.

زمانی که بایدن قدرت را در دست گرفت، برخی تصور می‌کردند که اولویت نخست دولت وی مقابله و برخورد با روسیه خواهد بود و برخی از شاخص‌ها از جمله بازگرداندن سریع و شتاب‌زده ناوالنی، منتقد سرسخت پوتین، از آلمان به روسیه و حمایت مشترک آمریکا و اتحادیه اروپا از وی و جنبش‌های اعتراضی ناشی از آن نیز تا حدود زیادی این احتمال را تقویت می‌کرد. اما بایدن با تشخیص درست، اولویت نخست دولتش را کاهش تنش با روسیه، ایجاد فاصله بین روسیه با چین و هند و تمرکز بر چین به‌منظور مهار سیاست‌های اقتصادی و نظامی جاه‌طلبانه این کشور که تهدید اصلی منافع ایالات متحده خواهد بود، قرار داد. از اهداف مهم نخستین سفر بایدن به اروپا و حضور در چهار نشست آن نیز





یارگیری برای مقابله با چین ارزیابی می‌شود. اما مراودات گسترده تجاری که کشورهای اروپایی با چین دارند یا روابط و همکاری‌های جامع راهبردی که چین و روسیه در برابر ناتو و غرب شروع کرده‌اند، مانعی اساسی سر راه تلاش‌های بایدن در این زمینه ایجاد کرده است.

در همین ارتباط جو بایدن در دومین روز از نشست سران صنعتی جهان موسوم به گروه ۷ (G7) از کشورهای اروپایی و ژاپن درخواست کرد به‌منظور مقابله با توسعه جهشی، نفوذ خزننده و قدرت فزاینده اقتصادی و امنیتی چین، از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشورهای در حال توسعه، صدها میلیارد دلار بودجه تخصیص دهند تا دیگر برای جاده‌های جدید، راه‌آهن، بنادر و شبکه‌های ارتباطی به چین وابسته نباشند. برای نخستین بار ثروتمندترین کشورهای جهان در خصوص سازماندهی یک جایگزین مستقیم برای «ابتکار یک کمربند و یک جاده» چین بحث و گفت‌وگو می‌کنند.<sup>۲</sup> بایدن در حالی این طرح را پیشنهاد داده است که کاخ سفید به هیچ تعهد مالی برای تأمین چنین بودجه‌ی هنگفتی اشاره نکرده و اختلاف نظر جدی بین ایالات متحده و هم‌پیمانان اروپایی این کشور درباره چگونگی مقابله با قدرت رو به رشد چین در جهان وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

بایدن برخلاف ترامپ که در نخستین سفر خارجی خود به عربستان رفت، روانه اروپا شد تا نشان دهد اولویت ایالات متحده در روابط خارجی، شرکای قدیمی و هم‌پیمانان اروپایی این کشور هستند. بایدن با این سفر قصد داشت از یک طرف سردی‌ای را که در روابط آمریکا با شرکای اروپایی در دوره ترامپ، آن‌هم به‌علت رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه او به وجود آمده بود، بازتعریف و نوسازی کند و از طرف دیگر شرکای اروپایی را برای مقابله با چین و تا حدودی روسیه، که ایالات متحده به تنهایی قادر به مهار آنها نیست، به همکاری بطلبد.

رئیس‌جمهور آمریکا با اطلاع از این واقعیت که درگیر شدن آمریکا در غرب آسیا در دوران گذشته و ادامه تنش‌ها با روسیه، بیش از پیش توان و قوای این کشور را تحلیل می‌برد، در گام

۱. ابتکار کمربند و جاده، طرح سرمایه‌گذاری در زیربنای اقتصادی بیش از ۶۰ کشور جهان و توسعه دو مسیر تجاری «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی» است که در مرکز سیاست خارجی شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، قرار دارد و هم‌اکنون افزون بر آسیا، در سراسر آفریقا، آمریکای لاتین و خود اروپا گسترش یافته است.

۲. به گزارش رویترز، سران گروه هفت بدون تأمین هرگونه منبع مالی، مدعی‌اند طرح آنها موسوم به «ساخت یک جهان بهتر» (B3W)، که هزینه‌ای بالغ بر ۴۰ تریلیون دلار دارد، جایگزین بهتری برای طرح «کمربند و جاده» چین است و می‌تواند تا سال ۲۰۳۵ محقق شود. به گزارش شبکه بی‌بی‌سی، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، در این باره تأکید کرده است که گروه هفت هنوز در موقعیتی برای آزادسازی چنین بودجه‌ای به‌منظور مقابله با قدرت چین نیست. گزارش‌ها نشان می‌دهد رهبران اتحادیه اروپا هم که در این نشست حضور دارند، تغییرات اقلیمی، بهبود اوضاع پس از دوران همه‌گیری کرونا و ایجاد یک نظام بهداشتی قوی‌تر در جهان را اولویت‌های اصلی فعلی گروه هفت می‌دانند.







نخست سعی داشت سطح تنش‌ها با روسیه را مدیریت کند (زیرا روسیه اصلی‌ترین متهم حملات سایبری است که به زیرساخت‌های ایالات متحده شده و خسارات سنگینی بر جای گذاشته است) تا در گام بعدی بتواند با جلب حمایت اروپا، تمرکز اساسی را به مهار چین معطوف کند.

واقعیت این است که بایدن نمی‌تواند هم در داخل درگیر مسائلی همچون حملات شکننده سایبری و مخالفت جمهوری خواهان با درخواست بودجه ۲/۵ تریلیون دلاری برای اصلاح زیرساخت‌ها باشد و هم در خارج از کشور درگیر تنش با روسیه، حضور نظامی در غرب آسیا و هزینه‌های آن باشد و هم خیزش حیرت‌انگیز چین را مهار کند. بر این اساس هدف سفر او به اروپا، مدیریت چالش‌های یادشده و تمرکز بر چین و مهار آن قلمداد می‌شود.





## بررسی بحران سیاسی و اعتراضات مردمی در تونس

### رویداد

تونس در روزهای ۱۷ تا ۲۱ خرداد صحنه خشم مردمی بود که در پی کشته شدن احمد بن عماره، شهروند این کشور، به دست نیروهای امنیتی، دست به اعتراضاتی گسترده زدند. آنها ضمن محکوم کردن رفتار خشونت‌آمیز پلیس، مجازات عاملان این حادثه را خواستار شدند. اما این، همه ماجرا نیست و تونس درگیر بحران‌هایی سیاسی و اقتصادی است که آینده این کشور را با اما و اگرهایی مواجه کرده است. با توجه به مباحث فوق، این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که ابعاد بحران در تونس از چه جنسی است؟ و با وجود بحران‌های سیاسی و اقتصادی، چه آینده‌ای را می‌توان برای تونس ترسیم کرد؟

### تحلیل رویداد

۱. بحران سیاسی: دیرزمانی است که تونس در آتش بحران‌های سیاسی و اقتصادی می‌سوزد و این امر مانع از توسعه و پیشرفت کشوری شده است که اولین بذره‌های بیداری اسلامی و خیزش مردمی در آنجا جوانه زد. نقطه ثقل بحران سیاسی در تونس، بحث درباره میزان اختیارات رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و پارلمان است؛ به همین علت قیس سعید، رئیس‌جمهوری تونس، پس از دیدار با نخست‌وزیران پیشین در ۲۵ خرداد، خواستار انجام برخی اصلاحات اساسی در قانون اساسی سال ۱۳۹۲ و ایجاد ساختار سیاسی و قانون انتخاباتی جدید شد. به عقیده سعید، قانون اساسی فعلی نمی‌تواند پاسخ‌گوی خواسته‌های طیف‌های سیاسی و تنوع سلاقی مردم باشد و تونس به گفت‌وگوی ملی و البته افزایش اختیارات رئیس‌جمهور نیاز دارد. اما راشد الغنوشی، رئیس پارلمان، پیشتر در مخالفت با نگرش سعید، تصریح کرده بود: «قرار ما این است که در یک نظام پارلمانی فعالیت کنیم و رئیس‌جمهور نقش تشریفاتی و نمادین دارد نه یک نقش محوری و سازنده.»

در همین راستا، فتحی العیادی، سخنگوی حزب النهضه، اعلام کرد: «اگر هدف از گفت‌وگوی ملی، پایان بحران سیاسی تونس باشد، حزب متبوعش از این گفت‌وگوها و پیشنهاد برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری و مجلس حمایت می‌کند.» العیادی افزود که کشور از نظر اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و سیاسی در وضعیت دشواری قرار دارد و هیچ راهی جز گفت‌وگو و توافق درباره همکاری نهادهای دولتی برای مقابله با چالش‌ها وجود ندارد. سیستم فعلی تونس ترکیبی از نظام پارلمانی و ریاست‌جمهوری است و با وجود آنکه رئیس‌جمهور به‌طور مستقیم



توسط مردم و با اکثریت آرا انتخاب می‌شود، اما قدرت اصلی در اختیار نخست‌وزیری است که کابینه‌اش از مجلس رأی اعتماد می‌گیرد. این مجلس که دارای ۲۱۷ کرسی است، وظیفه تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری را بر عهده دارد.

از سوی دیگر، قیس سعید به شدت از فعالیت‌های دیپلماتیک رسمی و غیررسمی هاشم المشیشی، نخست‌وزیر، و راشد الغنوشی، رئیس پارلمان، ناراضی است و خواهان قبضه اختیارات این حوزه در دستان خود است. در همین زمینه، سعید سفر اخیر هیئت سیاسی النهضه به قطر را با هدف به چالش کشیدن اختیارات رئیس‌جمهور ارزیابی می‌کند. در طرف مقابل، حزب النهضه در سخنرانی‌های رهبران خود، بارها واژه‌های «دیکتاتوری و فاشیسم» را خطاب به سران سکولار دولت به کار برده و خود را «محافظ دموکراسی» معرفی کرده است.<sup>۱</sup>

نکته دیگر آنکه هاشم المشیشی که از حمایت حزب النهضه برخوردار است، در جبهه مقابل قیس سعید قرار دارد و بعد از آنکه در بهمن ۱۳۹۹، ۱۱ وزیر کابینه از جمله وزیران کشور، دادگستری و بهداشت را تغییر داد، مورد انتقاد شدید رئیس‌جمهور قرار گرفت. قیس سعید از عدم مشورت المشیشی در انتخاب وزیران ناراضی و معتقد بود که برخی از آنها پرونده فساد مالی دارند. به همین علت وی از دیدار با وزرایی که از پارلمان رأی اعتماد گرفته بودند، سر باز زد. وانگهی، سعید از نبود زنان در کابینه نخست‌وزیر به شدت انتقاد می‌کند و معتقد است که قانون اساسی بر لزوم حضور نمایندگان زن در کابینه تأکید دارد. در ادامه اختلافات میان گروه‌های سیاسی در تونس، می‌توان به موضع مخالف اتحادیه کار تونس با ادامه گفت‌وگوهای ملی اشاره کرد. در این چارچوب، سامی الطاهری، معاون دبیرکل این اتحادیه، اعلام کرد که حزب متبوعش تصمیم گرفته است از طرح گفت‌وگوی ملی پیشنهادی قیس سعید خارج شود.

۲. بحران اقتصادی: روی دیگر بحران تونس، بی‌ثباتی و ناکارآمدی اقتصادی است که البته به شدت برخاسته از بحران سیاسی و منازعه بین بلوک‌های قدرت است. از این رو، ناتوانی حکومت در تأمین سرمایه‌گذاری خارجی، ناکارایی طرح‌های اقتصادی و همه‌گیری کووید ۱۹ باعث شده است میزان بیکاری در این کشور به ۱۹ درصد برسد. از ۱۱ دی ۱۳۹۸ تا ۱۱ فروردین ۱۳۹۹، بیش از ۱۶۰ هزار شهروند تونسی شغل خود را از دست داده‌اند. همچنین میزان فقر در سطح ملی به ۱۵ درصد و در مناطق داخلی به بیش از ۴۰ درصد رسیده است. طبق آمار انستیتوی عربی مدیران نهادهای اقتصادی، بیش از ۳۰۰ مؤسسه اقتصادی یا ناگزیر به ترک تونس شده یا برای همیشه تعطیل شده‌اند. تولید ناخالص ملی تونس در سال ۱۳۹۹ حدود ۲/۸ درصد کاهش یافته که طبق برآورد



۱. وب‌سایت الوقت، «دور جدید بحران سیاسی در تونس؛ زمینه‌ها و ابعاد»، ۱۴۰۰/۳/۲۴، موجود در:

<http://alwaght.net/fa/News/199723/>



صندوق بین‌المللی پول، شدیدترین رکود از زمان استقلال تونس در سال ۱۳۳۴ بوده است. به علاوه میزان بدهی‌های خارجی تونس به حدود ۳۰ میلیارد دلار رسیده است و دولت باید تا دی ۱۴۰۰ بیش از ۴/۵ میلیارد دلار از این بدهی‌ها را پرداخت کند؛ حال آنکه این کشور ۶ میلیارد دلار کسری بودجه دارد.<sup>۱</sup>

این وضع بحرانی، دولت تونس را وادار به درخواست ۴ میلیارد دلار وام از صندوق بین‌المللی پول کرده است؛ هرچند این وام هم نمی‌تواند اقتصاد بی‌ثبات تونس را سامان دهد و عمدتاً راه‌حلی موقت برای گذر از انبوه مشکلات در حوزه اقتصادی است. وانگهی دولت برای اصلاحات اقتصادی مانند کاهش یارانه کالاهای اساسی، کاهش هزینه‌های دستمزد بخش دولتی و فروش سهام دولت با وضعیت دشواری روبه‌رو است و اختلافات اساسی میان هیئت حاکمه و مخالفت اتحادیه‌های کارگری، انجام این اصلاحات را با چالشی بس جدی مواجه خواهد کرد.<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری

ده سال از خیزشی گذشت که طی آن مردمی که از دیکتاتوری زین‌العابدین بن علی به‌ستوه آمده بودند، با تظاهرات گسترده، زمینه سقوط او را رقم زدند و فصلی نو را در حیات سیاسی تونس آغاز کردند. اما گذر زمان نشان داد که اختلافات میان گروه‌های سیاسی و منازعات در سطح کلان اجازه برقراری ثبات و آرامش در تونس را نمی‌دهد و مردم همچنان به آینده‌ای مبهم چشم دوخته‌اند تا کشورشان از این بن‌بست سیاسی خارج شود. در واقع، بخشی از بحران سیاسی تونس زاییده خواسته‌های رئیس‌جمهوری است که در تضاد کامل با مفاد قانون اساسی و اختیارات پارلمان قرار دارد. از سوی دیگر، بحران اقتصادی در تونس شدت گرفته و با رشد بیکاری و کسری بودجه، نارضایتی مردم از دولت و هیئت حاکمیت فربه‌تر شده است و چنانچه بلوک‌های سیاسی نتوانند بر سر میزان توزیع قدرت و دایره اختیارات نهادها به اجماع لازم برسند، تونس همچنان در مدار بحران، بی‌ثباتی، ناکارآمدی، شکاف‌ها و منازعات داخلی گام بر خواهد داشت.



۱. حمادی معموری، «تونس در باتلاق بحران سیاسی و اقتصادی؛ بی‌ثباتی سیاسی منجر به تشدید بحران اقتصادی در تونس شده است»، موجود در: <https://www.independentpersian.com/node/117356/>, 6/11/1399  
۲. دویتسه فیله، «تحلیل: هل سیر الاقتصاد التونسي علی خطی نظیره اللبناني؟»، ۲۰۲۱/۵/۳۰، <https://www.dw.com/ar>



## وظایف دولت در فقه سیاسی طالبان

### رویداد

امروز با افزایش قدرت طالبان و نیز با توجه به ادبیات سیاسی اخیر این گروه در نامه‌ها و دستورالعمل‌های خود که گاهی از طریق بی‌سیم به همه نیروهای حاضر در میدان ابلاغ می‌شود و مبتنی بر ارائه شیوه‌های حکومت‌داری (و نه فقط شیوه‌های مبارزه با نظام حاکم) است. پرداختن به ابعاد مختلف فقه سیاسی طالبان اهمیتی مضاعف یافته است. همچنین با پیشروی سریع نیروهای طالبان در اقصی نقاط افغانستان، بار دیگر بحث از چیستی نظام حکومتی این گروه و قواعد فقهی و حقوقی مد نظر آنان مورد توجه مردم و کارشناسان حوزه آسیای مرکزی و جنوبی از شرق و غرب عالم قرار گرفته است و آنان سعی زیادی در کنار زدن پرده ابهام از اندیشه سیاسی و فقه سیاسی طالبان دارند. در این میان بی‌شک یکی از مهم‌ترین ابعاد، شناخت وظایفی است که در نظام اعتقادی طالبان برای دولت در نظر گرفته شده است؛ زیرا شناخت چیستی دولت مد نظر طالبان و تکالیفی که در فقه سیاسی خود بر عهده دولت گذاشته‌اند، یاری‌رسان فهم خواسته‌های این گروه در ارتباط با قانون اساسی، دولت موقت و در نهایت نظام اسلامی مورد تأکیدشان است. پیشتر برخی مشترکات میان اندیشه اسلامی شیعی و سنی در ارتباط با وظایف دولت باعث مطرح شدن پیشنهاد اصلاح قانون اساسی افغانستان در رسانه‌های شیعی شده بود. در این یادداشت به این مهم خواهیم پرداخت.

### تحلیل رویداد

به دلایل سیاسی و اجتماعی، اهل سنت در مکتوب کردن آرای فقهی خود، به‌ویژه فقه سیاسی، در قرون اولیه اسلامی فعال‌تر عمل و آثار برجسته‌ای در این زمینه تولید کرده‌اند. (برخلاف ثبت احادیث که شیعه در این زمینه هم از لحاظ زمانی و هم از لحاظ دقت در ثبت سلسله روایان، پشت‌تاز بوده است.) بی‌شک طالبان در زمینه مسائل فقهی و فقه سیاسی خود و امدار همین دست از آثار و نویسندگان آن هستند و در ادبیات خود نیز به اشخاصی چون ماوردی و غزالی به‌عنوان نظریه‌پردازان بزرگ سیاسی در تمدن اسلامی اشاره کرده‌اند. ماوردی وظایف حکومت را ۱۰ چیز می‌داند:

۱. پاسداری از دین؛
۲. دادرسی میان طرف‌های اختلاف و پایان بخشیدن به نزاع؛
۳. حراست از کیان و دفاع از قلمرو به‌منظور حفظ امنیت مردم؛
۴. اجرای حدود الهی؛



۵. استوار ساختن مرزها؛
۶. جهاد با کسانی که با اسلام عناد می‌ورزند.
۷. گردآوری فیء و زکات؛
۸. تعیین مقدار عطایا و حقوق متوجه بیت‌المال؛
۹. به‌کار گماردن افراد امین و خیرخواه در مسئولیت‌ها؛
۱۰. نظارت مستقیم بر کارهای متعلق به همه رعایا.<sup>۱</sup>

غزالی نیز سیاست را به معنای به‌صلاح آوردن ظواهر و بواطن مردم دانسته و این شأن را در اصل از آن انبیا معرفی و اضافه کرده است در نبود انبیا، این وظیفه بر عهده حکام، فقها، علمای آخرت و وعظ است؛ بدین شرح که حکام و فقها اصلاح ظواهر خواص و عوام را برعهده دارند؛ علمای آخرت اصلاح بواطن خواص را متکفل اند؛ وعظ نیز اصلاح بواطن عوام را برعهده دارند و دولت موظف است بستری را برای این روند اصلاح مردم ایجاد کند.<sup>۲</sup> روزبهان خنجی که بحث مفصلی درباره امارات اسلامی ارائه داده، خواهان حضور مجتهد در رأس حکومت است؛ اما می‌گوید که چنین چیزی در عصر کنونی (قرن دهم هجری) کمتر ممکن است و باید امرا و سلاطین با شنیدن حرف مجتهدان به وظایف حکومت‌داری خود به‌ویژه پاسداری از دین پردازند. طالبان در چنین بستر اندیشگی، وظیفه حکومت را اجرای شریعت، مقابله با فساد و ناامنی گروه‌های مسلح، و باز کردن راه‌ها و تأمین امنیت آن می‌دانند. هرچند آنها در سال‌های ابتدایی، طرح روشنی از یک نظام اسلامی نداشتند،<sup>۳</sup> اما به‌سرعت بر اساس سه اصل شورا، شریعت و امیر، به شالوده نظام سیاسی خود شکل داده‌اند. طالبان با تنظیم مجموعه‌ای از قواعد حقوقی در کتابی به نام «لایحه» دستورالعملی برای نیروهای خود صادر کرده بودند که بی‌شک امروز هم از منابع اصلی فقه و فقه سیاسی جنبش طالبان است. این گروه در موقعیت کنونی خود نیز با صدور بیانیه‌ها و ابلاغ بخشنامه‌هایی خطاب به نیروهای خود، وظایف حکومت را با جزئیات بیشتری مطرح می‌کند. جدیدترین موضع طالبان در رابطه با وظایف حکومت در پیامی که اخیراً سراج‌الدین حقانی (از رهبران طالبان) خطاب به فرماندهان مناطق تصرف‌شده صادر کرده، قابل مشاهده است. در این پیام، حقانی از نیروهای طالب می‌خواهد که علاوه بر فاز نظامی و مبارزاتی با نظام مستقر، به فاز تشکیل دولت و حکومت‌داری نیز توجه کنند و با اتخاذ این دستورالعمل‌ها زمینه بسط حکومت و دوام آن را برای طالبان فراهم سازند.

۱. ابوالحسن ماوردی، آیین حکمرانی، ترجمه حسین صابری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۴۲-۴۳.

۲. حاتم قادری، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت، ۱۳۹۲، ص ۹۰-۹۸.

۳. وحید مزده، افغانستان و پنج سال سلطه طالبان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۵۰.





این فرمان‌ها در روزهای اخیر با بی‌سیم به فرماندهان منتقل شده است. نکات مهم این پیام به نقل از دکتر نعیم وردک، سخنگوی طالبان در قطر، چنین است:

۱. از آنجا که مجاهدین امارت اسلامی از اقوام، قبایل و مناطق مختلف کشورند، در سطح کشور هر قوم و قبیله و قشرهای مختلف را نمایندگی می‌کنند و به همه هم‌وطنان اطمینان می‌دهند با هیچ‌کس رفتار تبعیض‌آمیز، انتقام‌جویانه، برتری‌طلبانه و خصمانه صورت نخواهد گرفت.

۲. به عساکر [نظامی‌ها]، پلیس، اربکی‌ها [شبه‌نظامیان] و سایر کارمندان ایستاده در صف دشمن بار دیگر اعلام می‌کنیم که همچون صدها عساکر دیگر، آن‌ها هم به آغوش امارت اسلامی با کمال اطمینان پناه آوردند. ما از آنها استقبال می‌نماییم و با اطمینان به خانه‌هایشان بر خواهند گشت.

۳. مقامات و عساکر [نظامیان] پیشین که از مخالفت دست کشیده‌اند و مجاهدین به آنها امنیت جان و مال داده‌اند، به زندگی آرام خود در مناطق مفتوحه [فتح‌شده] ادامه دهند. آنها نه به مناطق زیر کنترل دشمن بکوبند و نه دوباره راه مخالفت را اختیار کنند.

۴. به مجاهدین امارت اسلامی توصیه شده است که با گرفتن ولسوالی‌ها [شهرستان]، امنیت را در آنجا تأمین کنند، و علاوه بر تأسیسات دولتی، امنیت دکان‌ها، بازارها، صرافی‌ها و سایر مراکز تجارتي را تأمین کنند تا به اموال شخصی کسی زیان نرسد.

۵. اگر مدارس، مکاتب، کلینک‌ها و سایر اماکن عام‌المنفعه در مناطق مفتوحه [فتح‌شده] بر اثر جنگ‌ها مسدود [بسته] شده باشند، باید فوری دوباره فعال شوند و به کارهای خود ادامه دهند.

۶. به همه تجار، دکانداران و مغازه‌داران اطمینان می‌دهیم که هیچ‌کس به اموال‌شان نمی‌تواند زیان رساند. نخستین کاری که مجاهدین با رسیدن به یکجا انجام می‌دهند تأمین امنیت است، تا جان، مال و آبروی مردم مصون گردد.

۷. شهرهای مرزی تجارتي که به دست مجاهدین امارت اسلامی افتاده است، فعال نگه داشته می‌شوند و همه صادرات و واردات تجارتي مثل گذشته ادامه می‌یابد و کارهای دفتری تجارتي بدون هیچ مانعی پیش می‌رود.

۸. به همه کشورهای همسایه افغانستان اطمینان داده می‌شود که با رسیدن مجاهدین به مناطق مرزی، هیچ مشکلی برای آنها پیش نمی‌آید و روابط حسنه همچون گذشته حفظ خواهد شد و در بخش بنادر [شهرهای مرزی] و رفت‌وآمد مانعی پیش نمی‌آید. همچنین خاک کشورهای همسایه نیز از طرف ما ان‌شاءالله در امان است.

۹. با سلطه مجاهدین امارت اسلامی بر مناطق کشور، حق کسی ضایع نمی‌شود، به زنان، مردان، اقلیت‌ها، رسانه‌ها و همه قشرهای جامعه بار دیگر اطمینان داده می‌شود که امارت اسلامی به آنها با احترام نگاه می‌کند، همه حقوق شرعی‌شان داده می‌شود و زمینه کار و خدمت مشروع





برایشان فراهم خواهد شد.

۱۰. به مسئولین و مجاهدین امارت اسلامی دستور داده می‌شود به هیچ‌کس ظلم و تعدی نکنند. اگر کسانی در معرکه جنگ دیده شدند که بر مردم ظلم می‌کنند، فوراً باید خلع سلاح و به محاکم سپرده شوند.

۱۱. همه والیان، ولسوالان [فرمانداران] و سایر مسئولان امارتی، مسئولیت تمام امور در مناطق کاریشان را برعهده دارند. اگر در کارهایشان غفلت کنند یا مردم ناراضی شوند، یا به مردم ملکی [غیرنظامی] تلفات وارد شود یا مشکلی دیگر پیش آید، از مسئولین بازپرسی خواهد شد.

۱۲. آنانی که هنوز هم در کشور به آتش جنگ و جدل دامن می‌زنند، و به نام خیزش‌های مردمی، اربکی‌ها [شبه‌نظامیان] و افراد غیرمسئول را مسلح می‌کنند یا برای دوام قدرت نامشروع خود از مردم ملکی [غیرنظامی] به‌عنوان «خیزش» استفاده سوء می‌کنند، باید بدانند که برخورد امارت اسلامی با آنها بسیاری جدی خواهد بود و از عفو محروم خواهند شد؛ بنابراین باید از هر گونه حرکت خصمانه خودداری کنند. مردم نیز نباید اولاد خود را در اختیار چنین حلقه‌های جنگ طلب بگذارند و باید از پیوستن آنها به این گروه‌ها جلوگیری کنند.

### نتیجه‌گیری

فقه سیاسی طالبان در بستر اندیشه‌ورزی افرادی نظیر ماوردی، غزالی و خنجی شکل گرفته است و به‌صورت سنتی اهدافی نظیر جاری بودن شریعت در جامعه، حفظ امنیت، داوری بر اساس دین و پایان دادن به نزاع‌ها، حراست از مرزها، گردآوری زکات و ... را دنبال می‌کند. در متون اختصاصی طالبان، به‌ویژه در دستورالعمل‌های جدید این گروه، به نکات زیر اشاره شده است: تعلق دولت به همه اقوام و پرهیز از تعصب قومی، امان دادن به مخالفان مسلحی که قصد زمین گذاشتن سلاح را دارند (در شرایط کنونی ارتشی‌ها و پلیس‌هایی که چنین قصدی دارند)، تأمین امنیت جامعه به‌ویژه امنیت بازارها و کسب و کار مردم، فعال کردن مکاتب، مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها، تأمین امنیت مناطق مرزی و اطمینان دادن به کشورهای همسایه، حفظ حقوق اقلیت‌ها مطابق احکام اسلامی، جلوگیری از تعدی نیروهای مسلح به مردم عادی، پاسخگو بودن مسئولان نسبت به حیطه وظایف‌شان و برخورد شدید با کسانی که به تشکیل گروه‌های مسلح جدید ضد طالبان می‌پردازند.

